روزنامه فرهنگی - اجتماعی صبح ایران
صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران
مدیر مسئول: یوسف قوچانی غروی

جام جم

پنجشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۵ | ۲۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۱۲ صفحه روزنامه
سال بیست‌وهفتم | شماره ۷۴۶۱
Thursday | November 5 | 2026

تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹ ■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱
دورنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۳ ■ سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
امور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۱۴ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰ ■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰

تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴
چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم
شاپا: ISSN1735-3637

پایگاه اطلاع‌رسانی روزنامه: www.jamejamdaily.ir
پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

جیب آمریکایی‌ها خالی، حساب نفتی‌ها پُر

سود ۱۳۰ میلیارد دلاری غول‌های انرژی در سایه جنگ و قبض‌های سنگین مردم



جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، فقط میدان رویارویی نظامی و سیاسی نیست؛ در پشت صحنه این درگیری، معادله اقتصادی متفاوتی در حال شکل‌گیری است. درحالی‌که میلیون‌ها خانوار در نقاط مختلف جهان با افزایش هزینه‌های سوخت، انرژی و مواد غذایی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، شرکت‌های بزرگ نفت و گاز آمریکا از یکی از پرسودترین دوره‌های فعالیت خود بهره می‌برند. برآوردها نشان می‌دهد ۵۱ شرکت بزرگ نفتی و گازی آمریکا طی شش ماه بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار سود به‌دست آورده‌اند؛ رقمی که بار دیگر این پرسش را مطرح می‌کند: در جنگی که هزینه‌های آن به دوش مردم افتاده، چه کسانی برنده واقعی هستند؟

۶ ماه طلایی برای نفتی‌های آمریکا

براساس برآوردی که روزنامه نیویورک‌تایمز منتشر کرده، ۵۱ شرکت بزرگ نفت و گاز آمریکا در فاصله آوریل تا سپتامبر ۲۰۲۶ بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار سود کسب کرده‌اند.

مقایسه این رقم با دوره مشابه در سال ۲۰۲۵، ابعاد تغییرات را بهتر نشان می‌دهد. در آن زمان، مجموع سود این شرکت‌ها کمتر از ۴۷ میلیارد دلار بود؛ یعنی درآمد آنها در فاصله یک سال، جهشی قابل توجه را تجربه کرده است. این افزایش درآمد در شرایطی اتفاق افتاده که جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، بازار جهانی انرژی را با شوکی بزرگ مواجه کرده است. نگرانی از گسترش درگیری‌ها، اختلال در مسیرهای انتقال نفت و آسیب به تأسیسات انرژی، قیمت‌ها را تحت‌تأثیر قرار داده و فضای مناسبی برای افزایش سود شرکت‌هایی فراهم کرده که از این تحولات آسیب مستقیم ندیده‌اند. در واقع، جنگ برای بخشی از صنعت انرژی آمریکا به فرصتی اقتصادی تبدیل شده؛ فرصتی که در آن افزایش قیمت‌ها و محدود شدن عرضه جهانی، درآمد تولیدکنندگان و پالایشگاه‌ها را بالا برده است.

مردم آمریکا؛ قربانیان دیگر جنگ

اما در سوی دیگر این معادله، شهروندان آمریکایی قرار دارند؛ مردمی که برخلاف شرکت‌های بزرگ نفتی، از افزایش قیمت انرژی منفعتی نمی‌برند. طبق تحلیل آزمایشگاه راهکارهای اقلیمی دانشگاه براون، خانوارهای آمریکایی از زمان آغاز جنگ در ۲۸ فوریه، درمجموع ۱۵۰ میلیارد دلار بیشتر برای خرید بنزین و گازوئیل هزینه کرده‌اند. این رقم به معنای تحمیل بیش از ۱۱۵۰ دلار هزینه اضافی به‌طور متوسط برای هر خانوار آمریکایی است.

به این ترتیب در شرایطی که شرکت‌های نفتی از افزایش قیمت فرآورده‌های انرژی سود می‌برند، مصرف‌کنندگان ناچارند بخش بیشتری از درآمد خود را صرف هزینه‌هایی کنند که پیش از جنگ با فشار کمتری قابل تأمین بود.

این تناقض به موضوعی سیاسی در آمریکا نیز تبدیل شده است. جیم مک‌گاورن، نماینده دموکرات کنگره در واکنش به اظهارات دونالد ترامپ درباره سودآوری آمریکا از جنگ، تأکید کرده که مردم این کشور به‌جای کسب ثروت، هزینه‌های سنگینی پرداخت می‌کنند.

چرا جنگ به سود شرکت‌های نفتی آمریکا تمام شد؟

سودآوری شرکت‌های آمریکایی را نمی‌توان صرفا به افزایش قیمت نفت نسبت داد. مجموعه‌ای از تحولات در بازار جهانی انرژی، موقعیت این شرکت‌ها را تقویت کرده است.

ناصر التمیمی، پژوهشگر مؤسسه مطالعات سیاسی بین‌المللی در میلان، توضیح می‌دهد که افزایش قیمت نفت خام به نفع تولیدکنندگان تمام می‌شود. از سوی دیگر، پالایشگاه‌ها نیز به‌دلیل کمبود گازوئیل و سایر فرآورده‌های نفتی، می‌توانند حاشیه سود بیشتری به‌دست آورند.

آسیب دیدن پالایشگاه‌های خاورمیانه و روسیه، اختلال در تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز و محدودیت‌های تجاری ناشی از تحریم‌ها، عرضه جهانی فرآورده‌های نفتی را تحت فشار قرار داده است.

در چنین شرایطی، شرکت‌های آمریکایی از یک مزیت مهم برخوردارند؛ تأسیسات آنها با آسیب‌های فیزیکی مشابه آنچه در برخی مناطق خاورمیانه رخ داده، مواجه نشده و به منابع نفت خام ارزان‌تری دسترسی دارند.

نمونه روشن این وضعیت را می‌توان در عملکرد شرکت‌های بزرگ پالایشی آمریکا مشاهده کرد. شرکت والرو انرژی در سه ماهه سوم سال، سود خود را بیش از شش برابر افزایش داد و به ۶/۸۳ میلیارد دلار رساند. شرکت فیلیپس ۶۶ نیز با ثبت ۵/۶۲ میلیارد دلار سود خالص، بالاترین سود فصلی تاریخ خود را گزارش کرد.

از قبض انرژی تا گرانی مواد غذایی

پیامدهای جنگ به بازار بنزین و گازوئیل محدود نمی‌شود. افزایش هزینه انرژی، مستقیما بر حمل‌ونقل، تولید صنعتی و قیمت کالاهای مصرفی تأثیر می‌گذارد.

براساس گزارش بانک جهانی، قیمت کالاهای اساسی در سال جاری میلادی ممکن است ۲۳ درصد افزایش پیدا کند. اختلال در حمل‌ونقل غلات، ناامنی مسیرهای تجاری و شرایط نامساعد آب‌وهوایی نیز به فشارهای موجود بر بازار مواد غذایی اضافه شده است.

به این ترتیب، خانوارها ممکن است هزینه جنگ را نه فقط هنگام مراجعه به جایگاه‌های سوخت، بلکه در فروشگاه‌های مواد غذایی و هنگام پرداخت قبض‌های انرژی نیز احساس کنند.

اوقات شرعی

اذان ظهر: ۱۱:۴۸	نیمه شب شرعی: ۲۳:۰۵
غروب آفتاب: ۱۷:۰۵	اذان صبح فردا: ۰۵:۰۵
اذان مغرب: ۱۷:۲۴	طلوع خورشید فردا: ۰۶:۳۱

امروز در تاریخ

- روز فرهنگ عمومی
- روز مازندران

حکمت

امام رضا(ع): با مداومت بر یاد خداست که غفلت، زدوده می‌شود./ اصول کافی

واحه

چه کرده‌ای تو با دلم که از تو پیش دیگران
گلایه هم که می‌کنم شعر حساب می‌شود/ کاظم بهمنی

شمیم رحمت

- پیامبر اکرم(ص): استغفار در نامه اعمال، مانند نور می‌درخشد./ الکافی

مشق عشق

- شهید سیدرضا علوی: «مبادا به دنیا فریفته شوید و به خاطر راحتی و خوشگذرانی در آن آخرت را به فراموشی سپارید. در جهاد، نماز و روزه به فکر نفس خود باشید که اگر مهار نشود شما را به ورطه سقوط می‌کشاند.»

نکته روز

حمله به یخچال‌ها

حمله سایبری به سیستم‌های سرمایشی سوپرمارکت‌ها در هفت کشور اروپایی، زنگ خطر تازه‌ای درباره آسیب‌پذیری زیرساخت‌های روزمره در برابر هکرها به صدا درآورده است. در این حملات، مهاجمان با دسترسی از راه دور به یخچال‌ها و فریزرهای فروشگاه‌ها، دمای آنها را تا ۵۰ درجه سانتی‌گراد افزایش دادند و باعث فساد حجم زیادی از مواد غذایی شدند.

فروشگاه‌هایی در بلژیک، سوئد، استونی، ایرلند، فنلاند، لوکزامبورگ و هلند هدف این حملات قرار گرفته‌اند. شعبی از برندهای شناخته‌شده‌ای مانند کارفور، ایکیا، اینترمارشه و دهلیز نیز با اختلال در سیستم‌های سرمایشی مواجه شده‌اند. این اتفاق شباهت زیادی به حمله‌ای دارد که چند هفته پیش در فرانسه رخ داد و طی آن، هکرها کنترل سیستم‌های سرمایشی صدها فروشگاه را به‌دست گرفتند. با وجود گستردگی حملات، تاکنون هیچ گروهی مسئولیت آنها را برعهده نگرفته و نشانه‌ای از اخاذی مالی نیز مشاهده نشده است. همین موضوع احتمال انگیزه‌های سیاسی یا نمایش قدرت سایبری را تقویت کرده است. راف پیلینگ، مدیر اطلاعات تهدیدات سایبری شرکت سوفوس، دو احتمال را مطرح می‌کند: دخالت یک بازیگر وابسته به دولت با اهداف سیاسی یا فعالیت یک هکر مستقل با انگیزه‌های شخصی. روسیه، چین و کره‌شمالی نیز در فهرست احتمالات قرار گرفته‌اند اما مدرک قطعی برای انتساب حملات به هیچ‌کدام وجود ندارد.

بسیاری از تجهیزات سرمایشی مدرن به اینترنت متصل هستند و امکان کنترل دما از راه دور را فراهم می‌کنند. همین ویژگی در صورت ضعف تدابیر امنیتی، می‌تواند راه نفوذ هکرها را باز کند. کارشناسان می‌گویند برخلاف رایانه‌ها و تلفن‌های همراه، نرم‌افزار این تجهیزات گاهی برای مدت طولانی به‌روزرسانی نمی‌شود؛ زیرا نصب اصلاحیه‌های امنیتی ممکن است مستلزم توقف موقت دستگاه‌ها باشد. کارشناسان امنیت سایبری بر محدود کردن دسترسی اینترنتی، نصب به‌روزرسانی‌های امنیتی و حفاظت از ارتباطات این تجهیزات تأکید دارند. به نوشته گاردین، این حملات نشان می‌دهد حتی زیرساخت‌هایی به‌ظاهر ساده مانند یخچال‌های فروشگاهی نیز می‌تواند به هدفی برای عملیات سایبری تبدیل شود.

پیشخوان



بازی رازها

«هیچ‌وقت دروغ نگو»؛ یک خانه مرموز چند نوار صوتی و رازی هولناک

نویسنده: فریدا مک‌فادن
مترجم: صبا ایمانی
نشر: نون
سال انتشار: ۱۴۰۵

بعضی کتاب‌ها را می‌توان با خیال راحت زمین گذاشت و به ادامه زندگی رسید اما بعضی دیگر از همان صفحات نخست، ذهن خواننده را تسخیر می‌کنند و تا آخرین جمله رهایش نمی‌کنند. «هیچ‌وقت دروغ نگو» نوشته فریدا مک‌فادن دقیقا از همین دسته است؛ رمانی پرتعلیق که با بازی‌های روانی، رازهای پنهان و غافلگیری‌های پی‌درپی، خواننده را به دل یک معمای تاریک می‌برد. داستان درباره زوجی جوان به نام تریشا و ایتن است که برای پیدا کردن خانه‌ای مناسب، از ملکی بازدید می‌کنند اما یک طوفان برفی ناگهانی آنها را در خانه‌ای دورافتاده گرفتار می‌کند؛ خانه‌ای که پیش‌تر متعلق به روانپزشکی به نام دکتر آدرین هیل بوده که سال‌ها قبل به شکلی مرموز ناپدید شده است. تریشا در میان اتاق‌های ساکت و راهروهای وهم‌آلود خانه، به مجموعه‌ای از نوارهای صوتی قدیمی برمی‌خورد. این نوارها متعلق به جلسات درمانی دکتر هیل با بیمارانش است و گوش دادن به آنها، پرده از رازهایی برمی‌دارد که قرار نبود هرگز فاش شوند. یکی از نقاط قوت مک‌فادن، توانایی او در ساختن فضایی است که در آن هیچ‌کس کاملا قابل اعتماد نیست. نویسنده با تغییر زاویه دید، اطلاعات قطره‌چکانی و فصل‌های کوتاه، مدام برداشت خواننده از شخصیت‌ها و اتفاقات را تغییر می‌دهد. نقطه درخشان کتاب، پیچش‌های داستانی آن است؛ همان لحظاتی که تصور می‌کنید معما را حل کرده‌اید، اتفاقی تازه همه فرضیه‌های تان را زیر سؤال می‌برد. این اثر شاید از نظر شخصیت‌پردازی عمیق یا نثر ادبی، شاهکاری متفاوت نباشد اما در کاری که وعده می‌دهد، یعنی سرگرم کردن، غافلگیر کردن و ایجاد تعلیق، بسیار موفق عمل می‌کند.

درجهت عکس



عکس: رضا زنگنه/ میزان

باغبان کوچک زاگرس

سنجاب ایرانی را می‌توان در باغ‌های تویسرکان، نهاوند، عباس‌آباد و گنجنامه همدان مشاهده کرد؛ مناطقی که به دلیل وجود درختان گردو، بادام و بلوط، زیستگاه مناسبی برای این‌گونه جانوری به‌شمار می‌روند. این سنجاب کوچک نقشی فراتر از یک جانور جنگلی دارد و به‌طور طبیعی به احیای جنگل‌های زاگرس کمک می‌کند. سنجاب ایرانی با جمع‌آوری، پنهان‌کردن و دفن دانه‌های بلوط در نقاط مختلف، زمینه جوانه‌زنی و رشد درختان جدید را فراهم می‌کند. این رفتار غریزی، آن را به یکی از مهم‌ترین عوامل طبیعی در حفظ و گسترش پوشش جنگلی زاگرس تبدیل کرده است.

دوردنیا

رفتن به بُعد دیگر!

آیا هواپیمای ناپدیدشده مالزی به جهان موازی منتقل شد؟



بیش از ۱۲ سال از ناپدیدشدن پرواز MH370 هواپیمایی مالزی می‌گذرد؛ پروازی که با ۲۳۹ سرنشین از کوالالامپور به مقصد پکن حرکت کرد اما هرگز به مقصد نرسید. با وجود تحقیقات گسترده بین‌المللی، جست‌وجوهای دریایی و بررسی داده‌های ماهواره‌ای، سرنوشت قطعی این هواپیما همچنان مشخص نیست. همین ابهام طولانی باعث شده فرضیه‌های متعددی درباره ناپدیدشدن آن مطرح شود؛ از عملیات محرمانه نظامی گرفته تا فناوری‌های ناشناخته و حتی انتقال هواپیما به بعدی دیگر از زمان. یکی از عجیب‌ترین نظریه‌های مطرح‌شده درباره این حادثه، ادعای انتقال هواپیما به فضایی خارج از جهان قابل مشاهده است. این فرضیه که در سال‌های اخیر بار دیگر مورد توجه برخی علاقه‌مندان به پرونده هواپیمای مالزی قرار گرفته، ناپدیدشدن آن را نه ناشی از یک سانحه معمولی یا پنهان‌شدن در منطقه‌ای دورافتاده، بلکه نتیجه استفاده از فناوری پیشرفته‌ای می‌داند که امکان خروج از فضای معمولی را فراهم کرده است.

ادعای انتقال هواپیما با فناوری ناشناخته

آشتن فوربز، از افرادی که درباره ناپدیدشدن این هواپیما نظریه‌های غیرمتعارف مطرح می‌کند، معتقد است احتمال دارد انتقال آن با استفاده از فناوری‌ای صورت گرفته باشد که اساسا نباید در اختیار بشر قرار داشته باشد. در روایت او، پدیده‌هایی موسوم به «اورب» و اشیای پرنده ناشناس یا همان یوفوها نیز مطرح می‌شوند. براساس این ادعا، ممکن است فناوری محرمانه‌ای در اختیار آمریکا قرار داشته باشد که قابلیت‌هایی فراتر از دانش شناخته‌شده هوانوردی دارد. برخی طرفداران این نظریه حتی احتمال استفاده از نوعی پورتال یا سازوکار انتقال میان ابعاد را مطرح می‌کنند؛ فرضیه‌ای که اگر درست بود، می‌توانست توضیحی متفاوت برای ناپدیدشدن ناگهانی هواپیما ارائه دهد. با این حال تاکنون هیچ مدرک معتبر و مستقلی برای اثبات چنین ادعاهایی منتشر نشده است.

تلپورت چیست و آیا انتقال یک هواپیما امکان‌پذیر است؟

تلپورت یا دورنوردی مفهومی است که بیشتر با داستان‌های علمی ـ تخیلی شناخته می‌شود. در این تصور، یک جسم بدون طی مسیر معمول میان دو نقطه، از مکانی به مکان دیگر منتقل می‌شود. اگرچه دانشمندان در حوزه فیزیک کوانتومی به پدیده‌ای با عنوان تلپورت کوانتومی دست یافته‌اند اما این موضوع با انتقال فیزیکی یک جسم تفاوت اساسی دارد. تلپورت کوانتومی به معنای جابه‌جایی یک جسم از مکانی به مکان دیگر نیست؛ بلکه امکان انتقال اطلاعات مربوط به وضعیت کوانتومی یک سامانه را فراهم می‌کند. بنابراین نمی‌توان از این دستاورد علمی نتیجه گرفت که انتقال یک هواپیمای چندصدتنی همراه با ۲۳۹ مسافر به نقطه‌ای دیگر یا جهانی موازی امکان‌پذیر است.

آخرین شواهد درباره سرنوشت پرواز مرموز

پرواز MH۳۷۰ در هشتم مارس ۲۰۱۴، اندکی پس از برخاستن از فرودگاه کوالالامپور، ارتباط خود را با سامانه‌های کنترل پرواز از دست داد. بررسی اطلاعات راداری نشان داد هواپیما از مسیر اولیه منحرف شده و برخلاف برنامه پروازی، به مسیر دیگری ادامه داده است. داده‌های ارتباط ماهواره‌ای نیز نشان می‌دادند که هواپیما ساعت‌ها پس از قطع ارتباط رادیویی همچنان در حال پرواز بوده است. براساس تحلیل این اطلاعات، جنوب اقیانوس هند محتمل‌ترین منطقه سقوط هواپیما شناخته شد. با وجود این، گزارش نهایی تحقیقات مالزی نتوانست علت دقیق ناپدیدشدن هواپیما را مشخص کند. لاشه اصلی و جعبه‌های سیاه نیز پیدا نشدند تا پاسخ روشنی درباره اتفاقات داخل کابین و علت تغییر مسیر ارائه شود. در مقابل، کشف قطعاتی از هواپیما در جزیره رئونیون و بخش‌هایی از سواحل شرق آفریقا، شواهد مهمی در حمایت از فرضیه سقوط در اقیانوس هند فراهم کرد.

چرا معمای پرواز همچنان زنده است؟

نبود پاسخ قطعی، پیدا نشدن بدنه اصلی هواپیما و نامشخص ماندن علت تغییر مسیر، باعث شده پرونده هواپیمای مالزی همچنان زمینه مناسبی برای شکل‌گیری نظریه‌های عجیب باشد.

با این حال، میان یک معمای حل‌نشده و اثبات یک فرضیه غیرعادی تفاوت زیادی وجود دارد. نظریه انتقال هواپیما به بعدی دیگر، تاکنون پشتوانه علمی و شواهد قابل اتکایی ندارد. در حال حاضر، فرضیه سقوط در جنوب اقیانوس هند با توجه به داده‌های ماهواره‌ای و قطعات کشف‌شده، همچنان توضیح مستندتری نسبت به ادعای تلپورت یا ورود هواپیما به جهان موازی محسوب می‌شود. معمای MH370 هنوز حل نشده است اما نبود پاسخ قطعی، به معنای درست بودن عجیب‌ترین روایت‌ها درباره سرنوشت آن نیست.